

همه می‌خواهند در بازسازی افغانستان مشارکت کنند

اشاره:

حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ (بیستم شهریور ۱۳۸۰) به مراکز تجاری و نظامی آمریکا در شهرهای نیویورک و واشنگتن پیامدهایی دربرداشته است. حمله نظامی آمریکا به افغانستان برای سرکوب طالبان و دستگیری اسامه بن لادن میلیاردی ناراضی سعودی که در افغانستان به سر می‌برد و از بین بردن گروه القاعده، ویرانی‌های بیست و سه سال جنگ و درگیری در این کشور آسیایی را بیشتر کرد و خسارات دیگری به بار آورد. اکنون دوران بازسازی افغانستان با روی کار آمدن دولت موقت حامد کرزای فرارسیده است. کشورهای مختلف و شرکت‌های تجاری و خدماتی قصد دارند از فرصت به‌وجود آمده بهره‌برداری کنند و سهمی در بازسازی افغانستان داشته باشند. در این مقاله به بررسی روند تأمین هزینه‌های بازسازی و نیز فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری در افغانستان می‌پردازیم.

سرپرست بانک مرکزی افغانستان اوایل اسفندماه ۱۳۸۰ در کابل گفت: حداقل اعتبار موردنیاز برای بازسازی افغانستان طی پنج سال آینده بیش از ۴۵ میلیارد دلار است. عبدالقدیر فطرت گفت: کمک‌های اهدایی جامعه جهانی به افغانستان هر چند برای به حرکت درآوردن چرخه سازندگی قابل توجه است، اما برای بازسازی این کشور به هیچ وجه کافی نیست. جامعه جهانی اوایل بهمن ماه ۱۳۸۰ در اجلاس کمک‌کنندگان به بازسازی افغانستان در توکیو اعطای یک کمک ۴/۵ میلیارد دلاری در پنج سال آینده را به این کشور وعده داده است. فطرت میزان خسارات وارده به اقتصاد افغانستان را بر اثر بیست و سه سال جنگ در این کشور بیش از ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرد. جنگ‌های داخلی افغانستان زیرساخت‌های اقتصاد این کشور را به طور کامل نابود کرده و در سال‌های اخیر یگانه منبع درآمد این کشور کشت خشخاش و تولید مواد مخدر بوده که دولت موقت بر اثر فشارهای بین‌المللی، کشت و تولید آن را ممنوع اعلام کرده است. انتظار می‌رود با ۴/۵ میلیارد دلار کمک بین‌المللی فقط بخشی از زیرساخت‌های اقتصاد ویران افغانستان در پنج سال آینده احیا گردد. این در حالی است که به گفته مقام‌های ارشد افغانستان در بازسازی این کشور می‌بایست زیرساخت‌های کشاورزی و صنعتی در اولویت قرار گیرد. در همین حال، حامد کرزای رییس دولت موقت افغانستان در کنفرانس کمک‌کنندگان به افغانستان در توکیو اظهار داشت: در سال جاری میلادی، افغانستان به ۱/۸ تا ۲ میلیارد دلار کمک مالی نیاز دارد و از

موظف کرده بود که در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ با طالبان دربارهٔ احداث خط لوله مذاکره کنند. قرار

بود طالبان از محل حق عبور (ترانزیت) این خط لوله سالانه ۱۵۰ میلیون دلار درآمد کسب کند. «یونوکال» این طرح را در دسامبر ۱۹۹۸ پس از حمله به سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا و تقاضای طالبان برای گرفتن حق عبور بیشتر کنار گذاشت. در آن موقع مطبوعات نوشتند که آمریکا می‌خواهد رژیم انعطاف‌پذیرتری جایگزین طالبان در افغانستان شود.

«خلیل‌زاد» که یک افغانی تبار تبعه آمریکا است، اوایل سال جاری میلادی از سوی جرج دبلیو بوش به عنوان فرستاده ویژه برای افغانستان منصوب شد و پیش از آن مشاور «یونوکال» بود.

«یونوکال» و شریک آرژانتینی آن شرکت «بریداس» برای احداث خط لوله، در مارس ۱۹۹۷ دفترهای خود را در قندهار و کابل را دایر کردند و مذاکرات ادامه داشت.

«خلیل‌زاد» که در دوران ریاست جمهوری «ریگان» مشاور در امور افغانستان بود، به نمایندگی از گروه شرکت‌های بوستون که توسط «یونوکال» استخدام شده بود، وارد گفت‌وگو با طالبان شد. اما با اطلاع یافتن سازمان‌های هوادار حقوق زنان

در واقع از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشور بهره‌برداری خواهند کرد.

در همین حال روزنامه «ایشین ایج» که همزمان در دهلی‌نو و لندن منتشر می‌شود، اواخر بهمن ماه گذشته در گزارشی با عنوان «کرزای مرد نفت خط لوله را احیا می‌کند» از همکاری‌های اقتصادی آمریکا با طالبان سخن به میان آورد.

این روزنامه نوشت: حامد کرزای که پیش از این از سوی شرکت آمریکایی «یونوکال» در کالیفرنیا برای گفت‌وگو با طالبان درباره عبور خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان از افغانستان به کار گماشته شده بود، اکنون می‌گوید که این طرح ۴/۵ میلیارد دلاری را احیا خواهد کرد.

رییس دولت افغانستان با اعلام این موضوع به هنگام سفرش به پاکستان پس از دیدار از واشنگتن گفته است که این خط لوله برای افغانستان، پاکستان و کل منطقه مفید است.

این روزنامه افزود: شرکت‌های نفتی دیگری مانند «چیس انرژی» و «شرکت مشورتی انرژی دریای خزر» نیز برای احیای این طرح تلاش می‌کنند.

«یونوکال» در دهه ۱۹۹۰ حامد کرزای و «زلمی خلیل‌زاد» (فرستاده ویژه کنونی آمریکا به افغانستان) را

جامعه بین‌المللی خواست بدهی‌های دولت‌های پیشین افغانستان را ببخشند.

کرزای اظهار داشت: از صندوق ویژه‌ای که مؤسسات بزرگ بین‌المللی تشکیل داده‌اند، می‌خواهیم منابع ضروری را به طور مستقیم تأمین کنند و در هفته‌های آینده راهکاری برای تبدیل وعده‌های داده شده در اجلاس توکیو به پول واقعی، اجرا خواهد شد.

این وجوه، امکان پرداخت سریع حقوق کارمندان دولت و بازگشایی مدارس و دانشگاه کابل در اول فروردین ۱۳۸۱ برای استفاده ۱/۵ تا ۲ میلیون دانش‌آموز را فراهم خواهد ساخت.

آنچه مسلم است بازسازی زیرساخت‌های اقتصاد افغانستان به ۴۵ تا ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و چنانچه این اقدامات ظرف پنج سال صورت پذیرد، سالانه ۹ تا ۱۰ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری صورت خواهد گرفت و اگر این دوره به ۱۰ سال افزایش یابد، دست‌کم سالانه ۵ میلیارد دلار پروژه‌های اقتصادی در افغانستان اجرا خواهد شد.

در حال حاضر اکثر کشورهای اروپای غربی و شرق آسیا اعلام کرده‌اند که در بازسازی اقتصاد افغانستان مشارکت خواهند داشت و

از معاملات پنهانی یونوکال با طالبان و تظاهرات بزرگی که علیه این شرکت در آمریکا برپا شد، پرونده قضیه خط لوله بسته شد.

اما پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، یونوکال با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که به هیچ صورتی از طالبان حمایت نمی‌کند و در این کشور هیچ طرحی برای اجرا ندارد. در این بیانیه یونوکال گفت که اجرای طرح خط لوله مستلزم برسر کار آمدن یک دولت به رسمیت شناخته شده از سوی جامعه بین‌المللی است.

فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در افغانستان برای کشورهای همایه از جمله ایران که حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با این کشور دارد، قابل دسترس‌تر است. با توجه به رقابتی که اکنون برای مشارکت در بازسازی افغانستان وجود دارد، کشورهای همایه از جمله ایران می‌بایست پیش از پیش‌نیت به برقراری حکومت باثبات در افغانستان و آغاز دوران بازسازی حساسیت نشان دهند.

ایران خود دوره بازسازی پس از هشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر نهاده و خود کوله‌باری از تجربه در این زمینه دارد که می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بازسازی شبکه‌های برق، آب، راه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، شبکه‌های

آبیاری و زهکشی و ایجاد زیرساخت‌های صنعتی با توجه به مزیت‌های موجود در افغانستان، بهره‌برداری از معادن و نیز توجه ویژه به احداث خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان از پروژه‌های بسیار مهم است.

این پروژه‌ها ضمن ایجاد فرصت‌های جدید تجاری و سرمایه‌گذاری، تهدیدهای جدیدی را نیز برای برخی کشورها ایجاد خواهد کرد. برای مثال تهدیدی جدی برای خط لوله انتقال گاز ایران به هند از طریق پاکستان و یا خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران و ترکیه محسوب می‌شوند.

با این وجود نباید فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری نادیده گرفته شود و رقابت‌ها از نظر پنهان بماند. نمایندگان سه کشور عضو اتحادیه اروپا (فرانسه، انگلیس و ایتالیا) اوایل اسفندماه ۱۳۸۰ در دیدار با مقام‌های دولت موقت افغانستان در کابل، برای مشارکت در بازسازی افغانستان اعلام آمادگی کردند.

نمایندگان فرانسه و انگلیس در دیدار با وزیر صنایع و معادن افغانستان (محمد عالم رزم) آمادگی کشورهایشان را برای ارائه دانش فنی به منظور بازسازی صنایع نفت و گاز، زغال سنگ، صنایع فلزی و چوب اعلام کردند. نماینده بخش اقتصادی

سفارت ایتالیا در کابل نیز در دیداری جداگانه با محمدعالم رزم آمادگی ایتالیا برای مشارکت در بازسازی کارخانه‌های سنگبری افغانستان را اعلام کرد.

یک هیأت از کارشناسان صنایع ناجی چین نیز در پایان بهمن ماه ۱۳۸۰ ضمن بازدید از کارخانه‌های ناجی «بکرای کابل» برای بازسازی این کارخانه‌ها اعلام آمادگی کرد.

کارخانه‌های یادشده بر اثر جنگ داخلی به کلی آسیب دیده و بخش اعظم تأسیسات آن نابود شده است. این کارخانه‌ها قبل از جنگ توسط چین در افغانستان دایر شده بود و چین بازسازی آن را به عهده گرفت.

در همین حال هیأتی از کارشناسان سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) در بازدید از افغانستان در گفت‌وگو با مسؤولان وزارت آبیاری و منابع آب افغانستان در کابل اعلام کرد که فائو بازسازی تأسیسات آبرسانی و منابع آب آشامیدنی کابل را به عهده گرفته است.

روزنامه «لزکو» چاپ پاریس نیز اواخر بهمن ماه نوشت: پاریس درصدد فراهم کردن شرایط لازم و مناسب برای ورود و فعالیت سرمایه‌گذاران فرانسوی به افغانستان است. مقام‌ها و صاحبان صنایع فرانسه

در تلاش برای مشارکت در بازسازی افغانستان هستند.

به نوشته این روزنامه، با وجود تمایل شرکت‌های فرانسوی، اکنون بازار افغانستان و امضای قراردادهای تجاری تحت کنترل نظامیان و غیرقابل نفوذ است.

«لژکو» با اشاره به این که فرانسه به منظور بازسازی افغانستان چندین طرح در دست اقدام دارد، نوشت: به تازگی یک هیأت از سوی وزارت دفاع افغانستان برای شناسایی و بررسی نیازهای افغانستان وارد این کشور شده است.

ایجاد «واحد مدیریت روابط اقتصادی» در کابل و راه‌اندازی سایت اینترنتی در خصوص اقتصاد افغانستان از جمله طرح‌های وزارت اقتصادی و دارایی فرانسه برای مشارکت در بازسازی افغانستان است.

به نوشته این روزنامه، سرمایه‌گذاری در دو بخش آموزش و بهداشت در افغانستان اولویت دارد و به همین جهت پاریس علاوه بر ایجاد مراکز بهداشتی، دو دبیرستان فرانسوی کابل که ۲۰ سال پیش تعطیل شد، را بازسازی و راه‌اندازی خواهد کرد.

معاون نخست‌وزیر تاجیکستان نیز اواخر بهمن ماه سال ۱۳۸۰ آمادگی کشورش را برای انتقال ۱/۸ میلیارد کیلووات ساعت برق به افغانستان اعلام کرد.

«فریدون محی‌الدین‌اف» در جمع نمایندگان سفارتخانه‌های خارجی در دوشنبه بر ضرورت مشارکت دیگر کشورها در امر سرمایه‌گذاری و بازسازی شبکه‌های برق تاجیکستان برای رسیدن به این هدف را تأکید کرد.

وی با اشاره به توانمندی‌های تاجیکستان در بخش‌های انرژی، مخابرات و صنایع سبک خاطرنشان کرد که کشورش می‌تواند در این زمینه‌ها با همکاری سایر کشورها به بازسازی اقتصاد افغانستان کمک کند.

انتقال برق به افغانستان و گسترش همکاری‌های دوجانبه در سفر حامد کرزای به تاجیکستان در دی ماه ۱۳۸۰ و مذاکراتش با امام‌علی رحمانف، مورد بررسی قرار گرفت.

افغانستان و تاجیکستان ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند.

سه روز پس از انتشار این خبر، سرپرست سفارت دولت افغانستان در دوشنبه گفت: انتقال نیروی برق از تاجیکستان به مناطق شمال شرق افغانستان آغاز شد.

«سلیم صاحبی» گفت: تاجیکستان موافقت کرده است که ماهانه ۱۱۰ مگاوات برق به مناطق شمال شرقی افغانستان از جمله ولایت «کندوز» و «تخار» صادر کند که این مقدار برق به تدریج در ماه‌های آینده افزایش می‌یابد.

وی با ابراز قدردانی از مساعدت دولت تاجیکستان در کمک به عادی‌سازی شرایط زندگی و بازسازی در افغانستان، نقش این کشور را در انتقال کمک‌های بشردوستانه به افغانستان مهم ارزیابی کرد.

وی با اشاره به سفر قریب‌الوقوع کارشناسان بخش انرژی افغانستان به تاجیکستان گفت: قرار است در این سفر در زمینه انتقال هر چه بیشتر برق و شرکت کارشناسان تاجیک در ساخت و احداث نیروگاه‌های کوچک و بزرگ در افغانستان بحث و گفت‌وگو شود.

انتقال برق از تاجیکستان به افغانستان از دوران شوروی سابق شروع شد و تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشت. اما پس از تصرف افغانستان توسط نیروهای طالبان، تاجیکستان از صدور برق به افغانستان برای مدت پنج سال خودداری کرد.

با وجود اخبار پراکنده‌ای که از تلاش کشورها و شرکت‌ها برای مشارکت در بازسازی افغانستان منتشر می‌شود، توجه به چند نکته برای حضور در بازار افغانستان و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشور ضروری است.

اول آنکه دولت موقت افغانستان وعده داده که اقتصاد مبتنی بر بازار را در افغانستان دنبال کند و همین امر مشارکت بخش‌های خصوصی و دخالت کمتر دولت در امور اقتصادی را نوید می‌دهد. اواخر بهمن ماه گذشته نیز رییس اتاق‌های بازرگانی و صنایع افغانستان اعلام کرد که دولت موقت در صدد وضع قوانینی برای تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در این کشور است.

«محمد عیوض فدایی» در گفت‌وگو با ایرنا در کابل افزود: دولت موقت در پی آن است که بسته‌های مناسبی را برای سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین امنیت در افغانستان ایجاد کند.

وی از تشکیل کمیسیونی مرکب از رؤسای بانک مرکزی، اتاق صنایع و معادن و وزیر تجارت با هدف تنظیم مقررات تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خبر داد.

از سوی دیگر قرار است مجلس افغانستان ظرف شش ماه پس از روی کار آمدن دولت موقت (به عبارتی در اواسط سال میلادی جاری) تشکیل شود که می‌تواند فرایند قانون‌گذاری را هدایت کند.

آنچه مسلم است، افغانستان مسیر اقتصاد آزاد مبتنی بر بازار را طی می‌کند و در این راه مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی

مسلم است. اما ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری بسیار مهم است و می‌تواند سیل سرمایه‌های خارجی را به افغانستان بکشاند.

از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی فقط وعده پرداخت ۴/۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی در پنج سال آینده را به این کشور داده است، در حالی که نیازهای بودجه‌ای افغانستان به گفته رییس دولت موقت ۱/۸ تا ۲ میلیارد دلار در سال آینده که از مارس ۲۰۰۲ آغاز می‌شود، است.

انتظار نمی‌رود که در یک سال آینده دولت افغانستان با اتکا به بودجه عمومی بتواند امور بازسازی افغانستان را عهده‌دار شود و لذا گسترش مناسبات بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، دریافت اعتبارات از منابع خارجی و... قابل پیش‌بینی است.

با رونق بازسازی برخی صنایع در افغانستان با مشارکت شرکت‌های خارجی، تقاضا برای خدمات عمومی نظیر برق، مخابرات و ارتباطات افزایش خواهد یافت و لذا فرصت‌های تجاری در این راستا در دسترس خواهد بود.

مسأله مهم دیگر ثبات پول افغانستان و بازسازی روابط پولی این کشور با جامعه بین‌المللی است که به نظر می‌رسد با فشار آمریکا پس از سرکوب کامل طالبان و گروه القاعده،

جامه عمل خواهد پوشید و اعتبارات خارجی در اختیار دولت افغانستان (با پشتیبانی آمریکا) قرار خواهد گرفت.

این خطوط اعتباری راه را برای بازسازی اقتصاد افغانستان خواهد گشود و شرکت‌های زیادی که در بخش‌های مختلف از جمله انرژی (برق، گاز، نفت)، صنایع، معدن و کشاورزی و صنایع جانبی آن فعال هستند، از این فرصت‌ها استفاده خواهند کرد.

در این میان نقش شرکت‌های فعال جنوب شرقی آسیا (به ویژه چین و ژاپن)، برخی از شرکت‌های اروپایی و آمریکایی در ایجاد فضای رقابت غیرقابل انکار است. با وجود افرادی نظیر حامد کرزای که زمانی نماینده شرکت یونوکال بوده و خلیل‌زاد و امثال آنها که سالها در غرب زندگی و فعالیت کرده‌اند، حضور فعال شرکت‌های آمریکایی در منطقه غیرقابل انکار است.

بنابراین رقابتی فشرده برای راه‌اندازی بخش‌های انرژی و صنایع همراه با انتقال فناوری و دانش فنی، قابل پیش‌بینی است و در این میان شرکت‌هایی که فعالیت خود را سریع‌تر به سامان رسانند، برنده خواهند بود.